

بررسی نقش میانجی عزت نفس و خودکارآمدی در تحلیل عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی

مهدی قاسمی

دانشجوی دکتری، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان

محمد بادسار*

استادیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان

لیلا فلاحتی

استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

اسماعیل کرمی دهکردی

دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان

چکیده

امروزه توانمندی زنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه پایدار در قرن ۲۱ به‌شمار می‌رود، زیرا توانمندی یک مسئله ضروری در روند تعالی موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان به‌ویژه زنانی که در جامعه محروم هستند به‌شمار می‌رود. جامعه آماری این پژوهش زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری اند که با استفاده از جدول کرجیسی و مورگان تعداد ۳۸۴ نفر از آن‌ها از طریق نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده گردید. روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه با نظر پانلی از متخصصان و کارشناسان قبل از پیش‌آزمون مورد تایید قرار گرفت. پایایی ابزار تحقیق نیز از طریق انجام پیش‌آزمون بین ۳۰ نفر خارج از نمونه آماری و محاسبه آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های اصلی پرسشنامه (در دامنه بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۴) ارزیابی و تصحیح گردید. ابزار

*نویسنده مسئول: mbadsar@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲

DOI: 10.22051/JWSPS.2019.24257.1919

گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS²⁴ و AMOS²² انجام گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل گردید. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد بین متغیرهای موقعیت در خانواده، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی با توانمندی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و موانع فرهنگی با توانمندی زنان روستایی دارای رابطه منفی و معناداری است؛ همچنین، براساس نتایج مدل ساختاری میانجی مشخص شد که متغیرهای عزت نفس و خودکارآمدی در رابطه بین متغیرهای فرهنگی و اجتماعی با توانمندی زنان روستایی دارای نقش میانجی اند.

واژگان کلیدی

زنان، توانمندی، عزت نفس، خودکارآمدی

مقدمه و بیان مسئله

امروزه توسعه و بهبود زندگی انسان‌ها به‌ویژه کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند جزء اولویت‌های مهم دولت‌ها در برنامه‌هایشان است (هوراد^۱، ۲۰۱۸). براساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، زنان ۴۹ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. همچنین حدود ۴۰ درصد از نیروی کار روستاها و ۱۳ درصد از نیروی کار فعال شهرها را زنان تشکیل می‌دهند. زنان روستایی نقش مهمی در تولیدات کشاورزی و معیشت روستایی دارند و نقش حیاتی را در مراقبت فرزندان و بازآفرینی در جامعه ایفا می‌کنند؛ از این رو، در فرایند توسعه اثر بسزایی دارند. در همین زمینه خانی و همکاران (۱۳۹۱) اهمیت نقش زنان روستایی در فرایند توسعه را چنین بیان می‌کنند که در جامعه روستایی زنان در کنار مردان، علاوه بر ایفای نقش کشاورزی و تولید بیش از نیمی از مواد غذایی، به‌عنوان مدیران اقتصاد خانوار روستایی به فعالیت‌هایی نظیر آماده سازی، فرآوری و نگهداری محصولات کشاورزی، پرورش دام و طیور و جمع آوری سوخت می‌پردازند؛ به لحاظ اجتماعی نیز قشر مذکور تربیت فرزندان و اجتماعی کردن نسل آتی را بر عهده دارند. بنابراین، توجه به زنان و دختران روستایی سبب می‌شود که نواحی روستایی نیز در حوزه توسعه، به صورت مکمل توسعه ملی و همگام با سایر بخش‌های جامعه عمل نماید. با توجه به مطالبی که در بخش‌های قبل به آن اشاره گردید، یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که برای از بین بردن فقر

¹. Howard



زنان به‌ویژه زنان روستایی و از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی در جهت نیل به توسعه جامعه معرفی شده‌است، توانمندی آن‌ها به شمار می‌رود (آگیره و دیگران^۱، ۲۰۱۲؛ موسوی و روانخواه، ۱۳۹۵).

امروزه توانمندسازی زنان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و نگرانی‌های قرن ۲۱ شده‌است (شتر راجشواری^۲، ۲۰۱۵؛ آدینارایانا^۳، ۲۰۱۶؛ سابحاشینا^۴، ۲۰۱۸؛ مقاراجا^۵، ۲۰۱۴؛ آندیاننده^۶، ۲۰۱۳). زیرا توانمندسازی یک مسئله ضروری در روند تعالی موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان به‌ویژه زنانی که در جامعه محروم هستند به شمار می‌رود (سینها و دیگران^۷، ۲۰۱۹؛ داندونا^۸، ۲۰۱۵). بررسی‌های انجام شده طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، این مسئله به این دلیل است که زنان دارای امکانات لازم از جمله امکانات اقتصادی برای توانمندی و کاهش فقر نیستند، زیرا وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته‌است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۷). در همین زمینه مطابق تحقیقات انجام گرفته فائو، پیشرفت به سوی برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان کلیدی برای ریشه کن کردن فقر و از بین بردن گرسنگی و سوء تغذیه است (فائو^۹، ۲۰۱۷). در بیان نقش توانمندسازی زنان در توسعه، مؤسسه آگالی^{۱۰} بیان می‌کند، یک زن و یا یک دختر نوجوان وقتی از نظر اقتصادی توانمند شده‌باشد هم می‌تواند باعث ارتقای وضعیت اقتصادی خود شود و هم قدرت تصمیم‌سازی و عملکرد خواهد داشت. لذا برای کمک به این

¹ Aguirre

² Shettar & Rajeshwari

³ Adinarayana

⁴ Subhashini

⁵ Megharaja

⁶ Undiyaundeye

⁷ Sinha

⁸ Dandona

⁹ FAO

¹⁰ AGALI

افراد جهت دستیابی به این دستاوردها و برنامه‌ها باید عوامل متعددی که زنان و دختران نوجوان را محدود کرده‌است مدنظر داشت (امین^۱، ۲۰۱۱). بنابراین، توجه به توانمندسازی زنان یک ابزار حیاتی برای بهبود وضعیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان محروم در جامعه است و توانایی آنان را به منظور دسترسی به منابع و انتخاب زندگی استراتژیک افزایش می‌دهد (شترار^۲، ۲۰۱۵). هنگامی که زنان توانمند باشند جامعه دارای یک وضعیت با ثبات است و توانمندسازی زنان منجر به توسعه یک خانواده، جامعه و در نهایت یک کشور خوب می‌شود (شارما^۳، ۲۰۰۶). توانمندی زنان موضوعی مهم است که به تازگی نیز مورد توجه مجامع بین‌المللی قرار گرفته و به‌عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار عنوان شده‌است؛ همچنین دسترسی به برابری جنسیتی، شمول اجتماعی و حقوق بشر برای همه، چهارمین چالش اولویت‌دار از نظر شبکه راه‌حل‌های توسعه پایدار سازمان ملل متحد به شمار می‌رود. شایان ذکر است این اهداف ماهیت جهانی دارند و به صورت جهانی نیز قابل اجراست (گزارش سازمان ملل، ۲۰۱۵). در برنامه ششم توسعه کشور ما نیز یکی از مهم‌ترین وظایفی که به سازمان‌های حمایتی واگذار شده موضوع توانمندسازی زنان است که در ماده ۸۰ به آن اشاره گردیده‌است. در بند (ت) ماده ۸۰ آمده‌است که دولت موظف به تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی تا پایان اجرای قانون برنامه توسط معاونت امور زنان ریاست جمهوری با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر نهادهای ذی‌ربط است (برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶)؛ مطابق ماده ۹۷ قانون اساسی کشورمان به‌منظور پیشگیری از کاهش آسیب‌های اجتماعی گروه‌های در معرض آسیب، آموزش‌های مهارت‌های زندگی سالم در جهت مبارزه با فقر و تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان به‌مثابه یکی از اقدامات لازم برای ارتقای رضایت‌مندی عمومی مورد توجه قرار گرفته است (کیمیایی، ۱۳۹۰).

¹ Amin

² Shettar

³ Sharma



بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در استان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد زنان استان علی‌رغم اینکه همپای مردانشان برای بهبود وضعیت زندگی خانوادگی و اصلاح اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تلاش می‌کنند اما وضعیت آن‌ها در بسیاری از شاخص‌های فوق نامطلوب است، این شرایط نامطلوب و کم بهره بودن زنان از امکانات و فرصت‌های پیشرفت ناشی از شکاف جنسیتی است که بررسی دقیق و موشکافانه‌ای را می‌طلبد؛ به‌عنوان مثال در شاخص‌های اجتماعی، بررسی وضعیت رشد طلاق نشان می‌دهد در سال‌های ۹۰-۱۳۶۵ در نقاط روستایی استان، رشد طلاق ۲۱/۱ درصد است که در مقایسه با روستاییان کل کشور (۵/۱۱ درصد) بسیار بالاتر است؛ همچنین بررسی میزان مشارکت زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد، در سال ۱۳۷۵ میزان مشارکت زنان ۱۶/۵ درصد بوده است این رقم در ۱۳۸۵ به ۱۲/۷ درصد کاهش یافته و در سال ۱۳۹۰ به ۶/۶ درصد رسیده است که از میزان مشارکت زنان روستایی کل کشور در سال ۱۳۹۰ (۹ درصد) نیز کمتر است. این وضع به مراتب در گروه سنی جوانان بحرانی‌تر است (معاونت امور زنان و خانواده، ۱۳۹۳). در همین زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد اگرچه وضعیت زنان استان در برخی شاخص‌ها نیز در وضع مطلوب قرار دارد اما روند افزایشی آسیب‌های این حوزه در سال‌های اخیر، نگران‌کننده است (معاونت امور زنان و خانواده، ۱۳۹۵). در راستای اهمیت موضوع زنان و به‌منظور بررسی مهم‌ترین مسائل این حوزه در کشورمان، مصاحبه‌ها و جلسات اولیه با مدیر دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی، مدیر کل دفتر امور بین‌الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و معاون امور زنان و خانواده استانداری استان چهارمحال و بختیاری نشان داد که یکی از موضوعات جدیدی که در جهان و ایران با آن مواجه هستیم این است که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در حوزه توانمندسازی زنان روستایی هنوز در بسیاری از نقاط کشور، زنان روستایی در فقر، به‌ویژه فقر فرهنگی و اجتماعی به سر می‌برند و مورد تبعیض‌های جنسیتی قرار دارند؛ آن‌ها بیان می‌کنند برای تدوین برنامه‌های دقیق در حوزه زنان روستایی باید ابتدا شناخت کاملی از این عوامل تأثیرگذار بر توانمندی زنان روستایی به‌دست آورد تا براساس اهمیت هر عامل سیاست‌گذاری‌های متناسبی با آن اتخاذ گردد. به همین سبب، این پژوهش با هدف بررسی

نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی و نقش میانجی عزت نفس و خودکارآمدی در تحلیل عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر توانمندی زنان روستایی صورت گرفت.

پیشینه و مبانی نظری

توانمندسازی در لغت به معنی قدرت بخشیدن به افراد برای انجام برخی امور و اعمال کنترل بیشتر بر زندگی خود است (رحمان^۱، ۲۰۱۵). در ادبیات توسعه نیز برای مفهوم توانمندسازی به گستره‌ی وسیعی از مفاهیم مانند حق انتخاب، کنترل داشتن، دسترسی به منابع، احساس استقلال و اعتماد به نفس اشاره شده است (داندونا^۲، ۲۰۱۵؛ ریفکین^۳، ۲۰۰۳؛ آگبومه^۴، ۲۰۰۱؛ حسین و گوپه^۵، ۲۰۱۵؛ رانی^۶، ۲۰۱۷؛ جینیا^۷، ۲۰۱۶). از آنجایی که توانمندسازی زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک علتی نیستند، توانمند شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به عوامل فرهنگی و اجتماعی اشاره نمود (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱).

نتایج تحقیق فراکنبرگ و توماس^۸ (۲۰۰۱) نشان دهنده‌ی تأثیر قوی متغیرهای اجتماعی بر توانمندی زنان است. یکی از نظریه‌های مهم پیرامون تأثیر عوامل اجتماعی در توانمندی زنان نظریه تحلیل شبکه^۹ است؛ از دیدگاه تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی به شبکه روابط، پیوندها و منابع در دسترس اطلاق می‌گردد (صالح‌دین^{۱۰}، ۲۰۰۹). این نوع سرمایه اجتماعی که سرمایه اجتماعی شبکه‌ای نام دارد بر منابع ابزاری و حمایتی متنوع و موجود در شبکه که با سرمایه‌گذاری

¹ Rehman

² Dandona

³ Rifkin

⁴ Ugbomeh

⁵ Hossain, & Gope

⁶ Rani

⁷ Jinia

⁸ Frankenberg and Thomas

⁹ Network Analysis theory

¹⁰ Salehudin



افراد در روابط اجتماعی و دستیابی به پیوندهای اجتماعی مختلف به‌دست می‌آید متمرکز است (ولمن^۱، ۱۹۹۹). از دیدگاه شبکه، بسیاری از تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی و عضویت ارتباطی زنان و مردان ناشی از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، در ساختار اجتماعی است که تبعیضات گسترده‌ای را به دنبال داشته‌است (اریکسون و میاتا^۲، ۲۰۰۵). محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی گسترده و ممانعت همسر یا پدر از ورود زن به عرصه‌ی اجتماع عواملی است که شبکه‌های زنان و سرمایه اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در نتیجه نابرابری‌های جنسیتی نهادینه شده در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی باعث افزایش تمایز و تفاوت‌های دو جنس می‌شود و در عرصه‌های مختلف، آنان را بیش از پیش از هم متفاوت می‌کند؛ بنابراین، توجه به این مسائل و اضافه شدن این شبکه‌ها باعث افزایش توانمندی زنان و کاهش نابرابری‌های جنسیتی می‌گردد (ریتزر، ۱۳۹۵). در همین زمینه نادری و وحدت (۱۳۹۷) در پژوهش خود با بررسی نقش عوامل اجتماعی در توانمندسازی زنان نشان دادند، تأمین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توانمندی زنان به شمار می‌روند. حمایت اجتماعی نیز می‌تواند با پیوندهای گوناگون اعضای شبکه فراهم گردد به طوری که تنوع روابط طیف وسیعی از حمایت‌های گوناگون را برای افراد فراهم می‌آورد؛ حمایت اجتماعی می‌تواند به صورت مالی، اطلاعاتی و حمایت خانواده باشد. حمایت اجتماعی افراد را قادر می‌سازد تا توانایی رویارویی با بحران‌ها و مشکلات روزمره زندگی را داشته‌باشند و به خوبی آن‌ها را سپری کنند (ولمن^۳، ۱۹۹۲).

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در توانمندی زنان روستایی، **عوامل فرهنگی** است (اریکسون^۴، ۲۰۰۴). تحقیقات کشورهای در حال توسعه نشان داده‌است که افزایش دسترسی زنان به منابع مالی لزوماً به توانمندسازی آنان منجر نمی‌شود و شرایط فرهنگی جامعه، بر توانمندی زنان

1 Wellman

2 Erickson and Miata

3 Wellman

4 Erickson

تأثیرگذار است (کبیر^۱، ۲۰۰۵). به عنوان مثال میزان مشارکت زنان نسبت به مردان به شدت تحت الشعاع تعصبات مردانه قرار گرفته است (سپاسی و عبدلی، ۱۳۹۵). در همین زمینه سن^۲ (۱۳۸۹) جنسیت زنان را عاملی می‌داند که موجب بهره‌مندی کمتر آنان از خدمات رفاهی می‌گردد و در زمینه الگوی مرد نان‌آور بیان می‌دارد که غلبه نسبی قدرت مردان به ویژه نقش آن‌ها به عنوان نان‌آور خانواده امکان بهره‌برداری بیشتر از منابع را به آن‌ها می‌دهد و بر همین اساس بر نقش آفرینی بیشتر زنان و قدرت‌یابی آن‌ها از طریق عوامل فرهنگی تأکید می‌ورزد. در خصوص نقش عوامل فرهنگی در توانمندی زنان، نظریه فمینیست‌ها بیان می‌دارد، انسان‌ها واقعیات را از دیدگاه موقعیت‌های ساختاری‌شان درک می‌کنند و متناسب با همین موقعیت در مقابل آن‌ها واکنش نشان می‌دهند؛ این نظریه معتقد است که زنان تحت تأثیر الگوی جنسیتی در مراقبت پائین دستی از مردان قرار دارند و فرهنگ پدرسالارانه است که زنان را مجبور می‌کند تا خود را کمتر و فرو پایه‌تر از مردان در نظر گیرند؛ علاوه بر این زنان قدرت و آزادی عمل در ورود و خروج از هم‌گروهی‌هایی مثل هم‌گروهی‌های زنانه که بیشترین امکان ساخت معنی مشترک در آن فراهم می‌شود را ندارند؛ بنابراین می‌توان اظهار نمود که زنان نیز با توجه به جنسیت خود در طی فرآیند اجتماعی شدن و تحت تأثیر ساختارهای کلان جامعه، طرح‌های ملکه ذهن شده‌ای دارند که به عامل جنسیت باز می‌گردد؛ احساس فرودستی نسبت به جنس مذکر در زنان، باوری است که عیناً معادل حس حقارت در روان‌شناسی نیست بلکه معلول اجتماعی متأثر از فرهنگ و آموزش است و می‌تواند عاملی مؤثر بر افکار و ایده‌ها و آگاهی‌های زنان باشد (ریتزر، ۱۳۹۵). در همین زمینه ساعی و ولی‌پور (۱۳۸۸) در پژوهش خود با شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی به این نتیجه رسیدند که تفکرهای سنتی رایج در مورد زنان، به عنوان عامل فرهنگی نقش مهم و اساسی در منع توانمندسازی زنان داشته است. تحصیل برابر، یکی از اجزای اساسی برنامه‌های فرهنگی در توانمندسازی زنان روستایی است (اریکسون، ۲۰۰۴). در همین زمینه نتایج برخی بررسی‌ها در پاکستان نشان داده است توانمندسازی زنان از طریق مبانی فرهنگی در جامعه مانند ایجاد فرصت برابر، برای تحصیل زنان و دختران روستایی و عدم تبعیض بین دختران و پسران در

¹ Kabeer

² Sen



خانواده باعث کاهش نابرابری جنسیتی شده‌است؛ همچنین نتایج این پژوهش حاکی از رابطه مثبت و قوی میان عوامل فرهنگی با توانمندسازی زنان روستایی است (رحمان^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). در همین زمینه علی‌بیگی و حیدری (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران در روستاهایی که دارای مدرسه راهنمایی دخترانه و دبیرستان دخترانه هستند مثبت و در روستاهایی که فاقد این مدرسه‌ها هستند منفی است؛ همچنین نتایج این پژوهش نشان داده‌است والدین با تحصیلات بالاتر، نگرش مثبتی به ادامه تحصیل فرزندان دختر خود دارند.

زیمرمن^۲ (۱۹۹۶) در پژوهش خود تحت عنوان توانمندسازی روانشناختی، بیان می‌دارد که فرایند توانمندسازی شامل مؤلفه‌هایی از جمله درون فردی^۳، تعاملی^۴ و رفتاری^۵ است و این مؤلفه‌ها به یکدیگر مربوط و با هم در تعامل هستند و می‌توانند به صورت یک شبکه علمی ارائه شوند و نکته مهم در آن است که در این شبکه به متغیرهای سطح فردی جهت تجزیه و تحلیل توجه می‌شود (کاتانه و چاپمن^۶، ۲۰۱۰؛ چان و چان^۷، ۲۰۱۶؛ هانتز^۸ و دیگران، ۲۰۱۳؛ مالهاترا و اسکالر^۹، ۲۰۰۵؛ ونداپ^{۱۰} و دیگران، ۲۰۱۶). زیمرمن همچنین متغیرهایی مانند خودکارآمدی، عزت‌نفس، شایستگی، قدرت و سلامت روان را از متغیرهای اثرگذار بر توانمندسازی به‌ویژه توانمندسازی روانشناختی می‌داند که برای توسعه توانمندسازی باید مورد توجه قرار بگیرند. در همین زمینه آلبرت بندورا (۲۰۰۱) در نظریه یادگیری اجتماعی بیان می‌دارد افراد در یک نظام علیت سه جانبه (رفتار، محیط و فرد) بر انگیزه و رفتار خود اثر می‌گذارند که از نظر ماهیت می‌تواند فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی باشد؛ یکی از مفاهیمی که بندورا مربوط به

¹ Rahman

² Zimmerman

³ intrapersonal

⁴ interactional

⁵ behavioral

⁶ Cattaneo & Chapman

⁷ Chan, Ng, & Chan

⁸ Hunter

⁹ Malhotra & Schuler

¹⁰ Van Dop

شخص می‌داند خودکارآمدی و عزت نفس است. این متغیرها می‌توانند سبب تسهیل یا منع رفتار شوند؛ بر اساس این نظریه، یادگیری از راه مشاهده رفتار دیگران بسیار مهم است (بندورا، ۲۰۰۱). به‌عنوان مثال در توانمندی زنان روستایی یا زنان مددجو، اگر یکی از زنان بخواهد توانمند شود با دیدن زن توانمند دیگری که توانسته موفقیت کسب کند، می‌تواند زمینه موفقیت خود را سریع‌تر فراهم آورد (مسعودنیا، ۱۳۸۹). همچنین مطابق با نظر بندورا عزت نفس با خودکارآمدی در ارتباط است به گونه‌ای که عزت نفس پایین خودکارآمدی پایین به همراه دارد. افراد با عزت نفس پایین اعتقاد بدبینانه‌ای نسبت به دستاوردهای خود و توسعه شخصی دارند (بندورا، ۱۹۹۷). بنابراین، داشتن عزت نفس قوی به فرایندهای شناختی کمک می‌کند که فرد در عملکردهای خود موفق باشد (اکوارزر، ۱۹۹۷). به بیانی دیگر مطابق با تعریف عزت نفس "عزت نفس ارزیابی کلی فرد از اهمیت و ارزش خود به‌عنوان یک انسان است" می‌توان دریافت که عزت نفس دارای دو عنصر است اول آنکه نوعی ارزیابی است و دوم، این ارزیابی می‌تواند مثبت، منفی یا مابین آن باشد (توماس^۴ و دیگران، ۲۰۱۱: ۳۱۸). بنابراین ارزیابی فرد از خودش می‌تواند اثر زیادی بر روان فرد داشته‌باشد و با خودکارآمدی که یک قابلیت روانی است مرتبط گردد (مک کنزی^۵، ۱۹۹۹) و در نهایت خودکارآمدی است که می‌تواند ظرفیت حل مسئله را در زنان افزایش داده و باعث توانمندی آنان گردد (کارادماس^۶، ۲۰۰۶).

کبیر^۷ (۱۹۹۹) یک تئوری در رابطه با توانمندسازی زنان معرفی کرده‌است. وی سه عنصر اصلی را در توانمندسازی زنان شناسایی نموده که منابع، عاملیت^۸ و دستاوردها را شامل می‌شود. عاملیت به ظرفیت افرادی که به‌طور مستقل عمل می‌کنند و در انتخاب خود آزاد هستند اشاره دارد. در مقابل آن ساختارهایی قرار دارند که فرد را در انتخاب و تصمیم‌گیری‌های خود محدود

^۱ Bandura

^۲ Bandura

^۳ Schwarzer

^۴ Thomaes

^۵ McKenzie

^۶ Karademas

^۷ Kabeer

^۸ Agency



می‌نماید مانند مذهب، قومیت، جنسیت، طبقه اجتماعی، آداب و رسوم، سنت‌ها و کلیشه‌ها (بارکر^۱، ۲۰۰۵). کبیر منابع را هم شامل منابع اقتصادی، اجتماعی و انسانی می‌داند که می‌توانند بر توانمندسازی مؤثر واقع شوند. در نهایت دستاوردها قرار دارند که نتیجه ترکیب منابع و عاملیت اند که در اثر فرایند توانمندسازی ایجاد می‌شوند و می‌توانند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده نظیر مشارکت در زندگی اجتماعی، سیاسی و نهایتاً توسعه را شامل گردند. گریب^۲ (۲۰۱۲: ۲۳۳) نیز در پژوهش خود تحت عنوان بررسی یک مدل تجربی *توانمندسازی زنان و تغییرات آن در زمینه توسعه بین الملل* به‌طور مشابه نشان داد سه عامل زمینه، عاملیت و دستاوردها بر توانمندسازی زنان مؤثرند. او همچنین بیان می‌دارد که در عاملیت متغیرهایی از جمله استقلال عمل، تصمیم‌سازی و قدرت هم می‌توانند قرار گیرند. همچنین متغیرهایی مانند عزت‌نفس و عوامل روانشناختی از جمله متغیرهایی اند که با تأثیر پذیری از متغیرهای زمینه‌ای می‌توانند در دستاوردهای ناشی از توانمندسازی زنان نقش بسزایی را ایفا کنند. برای چارچوب توانمندسازی، سارا لانگه (۱۳۷۲) پنج مرحله را معرفی می‌کند که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل است (پروین^۳، ۲۰۰۵ و ساهای^۴، ۱۹۹۸). در مرحله رفاه، مسائل رفاهی و مادی زنان مانند درآمد و تغذیه بررسی می‌شود که در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرد. در مرحله دسترسی زنان باید به عوامل تولید مانند زمین، کار و سرمایه، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزشی مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد و حتی محصول و دسترنج خود دسترسی داشته‌باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و لذا قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند. در نهایت برابری در کنترل به معنای توازن قدرت میان زنان و مردان

¹ Barker

² Grabe

³ Parvin

⁴ Sahay

است (مالهاترا و اسکالر^۱، ۲۰۰۵؛ پروین^۲، ۲۰۰۵؛ ساهای^۳، ۱۹۹۸؛ سومدها^۴، ۲۰۱۵؛ وارن^۵، ۲۰۰۷).

در همین زمینه مطابق با نظر مالهاترا^۱ و همکاران (۲۰۰۲: ۷۱) هر چند که توانمندسازی به عنوان یکی از اهداف اولیه توسعه در نظر گرفته می‌شود ولی بانک جهانی و یا دیگر آژانس‌های توسعه برای اندازه‌گیری توانمندسازی زنان هیچ ابزار استاندارد توسعه یافته‌ای ندارند. آن‌ها مدل توانمندسازی را مانند یک فرایند در نظر می‌گیرند که از سطح فردی (مانند احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می‌شود و عوامل مختلفی در آن دخیل هستند که عوامل اجتماعی - فرهنگی یکی از مهم‌ترین این عوامل به شمار می‌روند. با توجه به مطالبی که بیان گردید، در این پژوهش سعی بر آن شد تا با استفاده از ترکیب مدل‌ها و تئوری‌های مختلف نظیر تئوری کبیر (۱۹۹۹)، تئوری گریب (۲۰۱۲)، چارچوب توانمندسازی لانگه (۱۳۷۱)، مدل مالهاترا و همکاران (۲۰۰۲) و نظریه شناخت اجتماعی بندورا (۲۰۰۱) ضمن بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی تاثیرگذار بر توانمندسازی زنان روستایی با بهره‌گیری از مطالعات تجربی اثر میانجی متغیرهای عزت‌نفس و خودکارآمدی در تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی مورد بررسی قرار گیرد (شکل ۱).

¹ Malhotra & Schuler

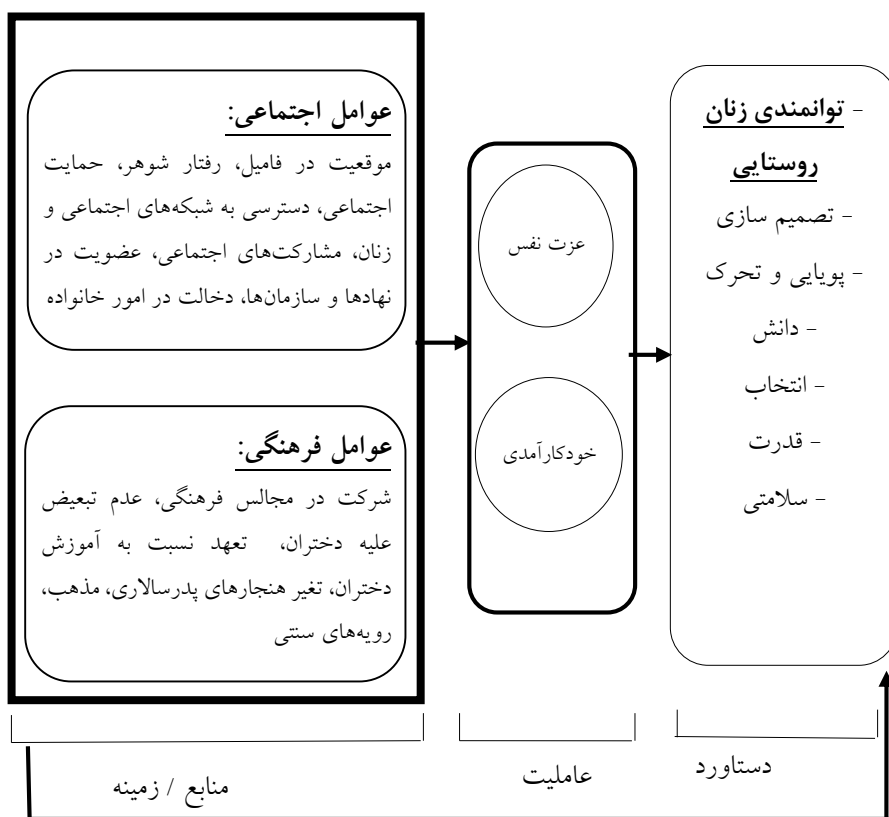
² Parvin

³ Sahay

⁴ Sumedha

⁵ Warren

⁶ Malhotra



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها، غیرآزمایشی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری بود (سنین بالاتر از ۱۰ سال). استان چهارمحال و بختیاری دارای ۹ شهرستان (شامل: شهرکرد، سامان، بن، فارسان، کوهرنگ، کیار، اردل، بروجن و لردگان) با جمعیتی برابر با

۹۴۷۷۶۳ نفر است که از این تعداد ۶۰۷۴۴۴ نفر در مناطق شهری (۶۴/۰۹ درصد) و ۳۳۹۶۶۷ نفر (۳۵/۹۱ درصد) روستا نشین هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). در این مطالعه به منظور داشتن ترکیبی متناسب و قابل تعمیم نمونه‌ی آماری از مناطق مختلف استان انتخاب گردید. انتخاب نمونه مورد نظر ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفت؛ بدین‌گونه که ابتدا از هر شهرستان یک بخش، از هر بخش یک دهستان و نهایتاً از هر دهستان چند روستا انتخاب گردید. انتخاب نمونه در سطح جامعه روستایی نیز به روش تصادفی (تصادفی ساده) صورت پذیرفت. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه بود که از چهار بخش مشخصه‌های فردی، میزان عزت‌نفس و خودکارآمدی زنان، گویه‌های مرتبط با توانمندی زنان روستایی و عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر توانمندی زنان روستایی تشکیل شده بود. برای تعیین روایی ابزار تحقیق از روایی ظاهری و روایی سازه (شامل روایی همگرا و تشخیصی) استفاده شد. روایی ظاهری پرسشنامه با نظر کارشناسان و متخصصان در زمینه موضوع مورد پژوهش شامل اعضای هیئت علمی گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی دانشگاه زنجان و اعضای هیئت علمی گروه زنان پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر روایی ظاهری و محتوایی در این مطالعه روایی همگرا^۱ و تشخیصی^۲ ابزار تحقیق نیز پس از گردآوری داده‌ها در قالب مدل اندازه‌گیری ارزیابی شد (شکل ۲). به منظور ارزیابی برازش نیکویی مدل‌های تحقیق از شاخص‌ها و معیارهای قابل قبول به شرح جدول ۱ استفاده شد.

1. Convergent Validity

2. Discriminant Validity



جدول ۱: شاخص های نیکویی برازش مدل‌ها و سطح قابل قبول آن‌ها

توضیح	سطح قابل قبول	علامت اختصاری	شاخص برازش نیکویی
شاخص های برازش مطلق			
کای اسکور از جمله آزمون های ناپارامتریک است که به طور معمول معنی داری تفاوت بین داده‌های مشاهده شده و مورد انتظار مدل را تعیین می‌کند (شوماکر و لوماکس، ۲۰۰۴، ۲۰۱۱،)	غیر معنی دار باشد (p) بزرگتر از ۰/۰۵)	χ^2 or CMIN	کای اسکور
این شاخص که در واقع شاخص مرتبط با کای اسکور است براساس تقسیم کای اسکور بر درجه آزادی (χ^2/df) قابل محاسبه است (هیر و دیگران، ۲۰۱۰)	≤ 3	χ^2 / df	کای اسکور نسبی
این شاخص یک معیار اندازه گیری غیر آماری است که نشان می‌دهد چگونه یک مدل به طور کلی دارای برازش مناسبی است. (هو، ۲۰۰۶).	≤ 0.90	GFI	شاخص برازش نیکویی
این شاخص یکی از متداول ترین شاخص های برازش مطلق است که براساس نظر هیر و همکارانش (۲۰۱۰) تلاش می‌کند تا تمایل کای اسکور برای رد مدل‌ها یا تعداد زیاد نشانگر/متغیر و نمونه آماری بزرگ را اصلاح نماید.	≤ 0.08	RMSEA	شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب
شاخص های برازش فزاینده			
براساس این شاخص نسبت بهبود مدل تحقیق به مدل مینا ارزیابی می‌گردد (کلاین، ۲۰۱۱).	≤ 0.90	CFI	شاخص برازش تطبیقی
این شاخص را بنتلر بونت ارائه کرده و به عنوان شاخص غیر هنجاری برازش (Non-	≤ 0.90	TLI	شاخص تولکر لوئیس

Normed Fit Index) نامگذاری شده است

(گارسون، ۲۰۰۹).

شاخص برازش فزاینده	IFI	$0/90 \leq$	این شاخص در راستای کاهش محدودیت‌های سایر شاخص‌های برازش فزاینده مانند شاخص برازش هنجاری (NFI) که ساده‌تر و حساس‌تر به نمونه آماری است توسعه پیدا کرده است (بایرن، ۲۰۱۰).
-----------------------	-----	-------------	--

نتایج ارزیابی برازش نیکویی مدل اندازه‌گیری براساس شاخص‌های برازش مدل شامل کای اسکویر نسبی^۱ برابر با ۱/۳۳۱ یعنی مقدار عددی کمتر از ۳؛ و شاخص برازش تطبیقی^۲ (CFI=۰/۹۷۴)؛ شاخص برازش فزاینده^۳ (IFI=۰/۹۷۵)؛ و شاخص توکر- لوئیس^۴ (TLI=۰/۹۷۳)؛ با مقادیر عددی بیشتر از ۰/۹۰ و شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب^۵ (RMSEA=۰/۰۲۹) با مقدار عددی کمتر از ۰/۰۸، برازش مدل برازش نیکویی در سطح قابل قبولی بوده است (شکل ۳). نتایج ارزیابی اعتبار همگرا و تشخیص براساس مدل اندازه‌گیری نشان داد، با توجه به اینکه برای تمامی متغیرها براساس معیارهای سه‌گانه پیشنهاد شده هیر و همکاران (۲۰۱۰) شامل: (۱) بارهای عاملی استاندارد^۶ مساوی و بزرگتر از ۰/۵، (۲) میانگین واریانس استخراج شده^۷ مساوی و بزرگتر از ۰/۵ و (۳) پایایی ترکیبی^۸ مساوی و بزرگتر از ۰/۷ به دست آمد، از این رو، روایی همگرایی ابزار تحقیق در سطح قابل قبولی بود (جدول ۲). در رابطه با روایی تشخیصی نیز نتایج حاکی از آن بود که با توجه به اینکه مربع بزرگترین ضریب همبستگی بین متغیرهای مکنون مورد مطالعه کمتر از کوچکترین میانگین واریانس استخراج شده

1. Relative Chi-Square

2. Comparative Fit Index (CFI)

3. Incremental Fit Index (IFI)

4. Tucker-Lewis Index (TLI)

5. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

6. Standardized Factor Loading

7. Average Variance Extracted (AVE)

8. Composite Reliability (CR)



تمامی متغیرهای مکنون است، بنابراین، ابزار تحقیق روایی تشخیصی مناسبی را دارد؛ به عبارت دیگر، هر دسته از سوالات/ گویه‌های مربوط به مکنون‌های مختلف به‌طور مستقل موضوع متفاوتی را اندازه می‌گیرند.

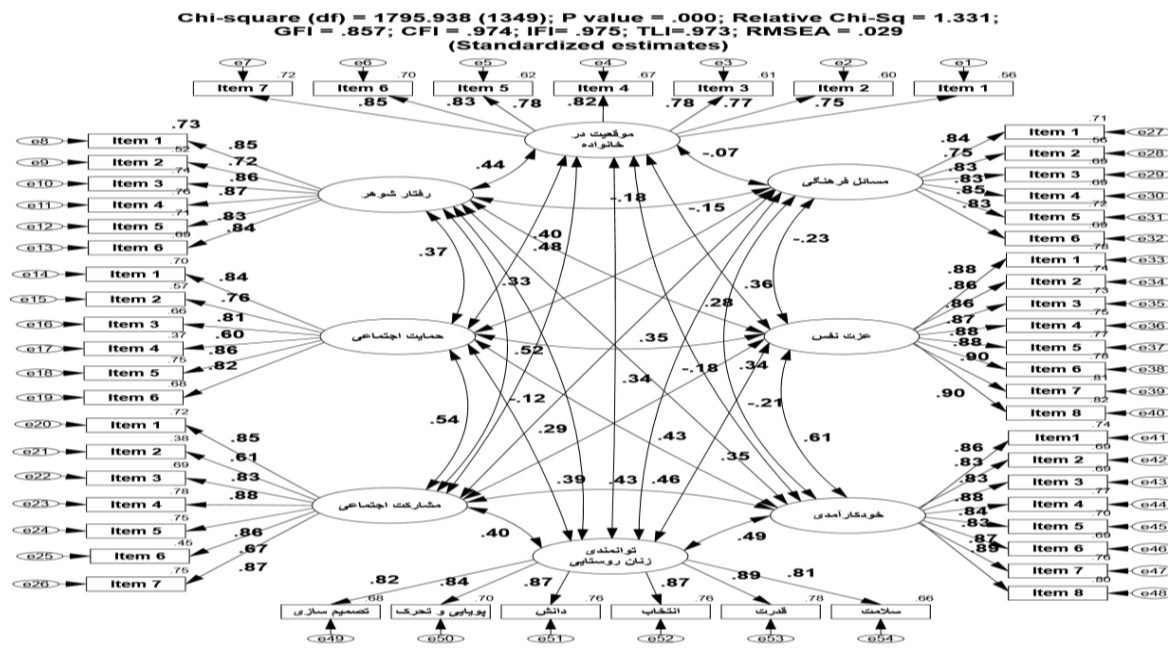
به‌منظور بررسی اثر میانجی عزت نفس و خودکارآمدی در رابطه بین عوامل اجتماعی و فرهنگی با توانمندی زنان روستایی از روش خودگردان‌سازی^۱ که یک تکنیک جدید برای آزمون میانجی به شمار می‌رود استفاده گردید. این تکنیک امکان برآورد کلی مجموع یک اثر غیرمستقیم (مجموع $A \rightarrow B \rightarrow C$)، سطح معنی‌داری و تعیین سطحی از فاصله اطمینان^۲ را برای یک نقطه تخمینی فراهم می‌کند (مالینکروود و همکاران، ۲۰۰۶) از جمله مزایای اصلی استفاده از روش خودگردان‌سازی آن است که این روش امکان آزمون اثر غیرمستقیم بین متغیرها در سطح و تعداد بیشتری از نمونه آماری واقعی از راه بازنمونه‌گیری با جایگذاری^۳ از یک نمونه مادر یا اصلی به تعداد دفعات زیاد به صورت تصادفی و خودکار را میسر می‌کند (بادسار و همکاران، ۱۳۹۷)؛ از این‌رو، با بهره‌گیری از این روش می‌توان محدودیت‌های ناشی از غیرنرمال بودن داده‌ها و یا کم بودن حجم نمونه آماری به‌ویژه مدل‌هایی که دارای سطح بالایی از پیچیدگی هستند و ممکن است نتایج تحقیق تحت تاثیر نرمال نبودن داده‌ها یا کوچک بودن حجم نمونه اصلی قرار گیرد، را بر طرف کرد (کلاین^۴، ۲۰۱۰). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اجرای روش خودگردان‌سازی از نرم‌افزار گرافیکی AMOS²² استفاده شد.

¹ Bootstrap

² Confidence Intervals (CI)

³ Resampling with Replacement

⁴ Kline



شکل ۲: مدل اندازه گیری بر اساس مقادیر عاملی استاندارد

جدول ۲: نتایج میانگین واریانس استخراج شده ، پایایی ترکیبی و همبستگی متغیرها براساس مدل اندازه گیری

متغیر	میانگین واریانس استخراج شده (0/5≤)	پایایی ترکیبی (0/70≤)	ضرایب همبستگی میان متغیرها															
			۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱								
۱. موقعیت در خانواده	0/63	0/90																
۲. رفتار شوهر	0/69	0/93	0/44**															
۳. حمایت اجتماعی	0/62	0/91	0/48**	0/37**														
۴. مشارکت اجتماعی	0/64	0/92	0/40**	0/52**	0/54**													
۵. مسائل فرهنگی	0/67	0/93	0/07	-0/18**	-0/15**	-0/12*												
۶. عزت نفس	0/77	0/96	0/36**	0/28**	0/35**	0/34**	-0/23**											
۷. خودکارآمدی	0/73	0/95	0/35**	0/33**	0/43**	0/43**	-0/21**	0/61**										
۸. توانمندی زنان	0/72	0/94	0/34**	0/29**	0/39**	0/40**	-0/18**	0/46**	0/49**									

* معنی داری در سطح 0/05 ** معنی داری در سطح 0/01

یافته های توصیفی

همان‌طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، اکثریت پاسخگویان را زنان متأهل تشکیل داده‌اند (۸۰/۲ درصد) همچنین ۱۲ درصد پاسخگویان مجرد، ۴/۹ درصد بیوه و ۲/۹ درصد زنان مطلقه بوده‌اند. براساس نتایج کسب شده، اکثریت پاسخگویان (۸۸/۳ درصد) به صورت دائم و ۱۱/۷ درصد از پاسخگویان به صورت فصلی در روستا اقامت داشتند. با توجه به یافته‌های تحقیق، میانگین سن پاسخگویان ۳۵/۸۵ سال بود. از نظر سطح تحصیلات ۵/۲ درصد بی‌سواد، ۶/۸ درصد از آنان ابتدایی، ۲۲/۱ درصد راهنمایی و دبیرستان، ۳۵/۹ درصد دیپلم و ۱۲/۸ درصد فوق دیپلم و ۱۷/۲ درصد کارشناسی و بالاتر بودند. علاوه بر این از لحاظ تعداد اعضای خانوار، بیش از نیمی از پاسخگویان (۶۷/۷ درصد) دارای خانوارهای ۴ نفره و کمتر بودند (جدول ۳).

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان براساس ویژگی‌های فردی

متغیر	فراوانی	درصد
وضعیت تأهل	مجرد	۱۲
	متأهل	۳۰۸
	مطلقه	۱۱
	بیوه	۱۹
سطح تحصیلات	بی سواد	۵/۲
	ابتدایی	۲۶
	راهنمایی	۴۷
	دبیرستان	۳۸



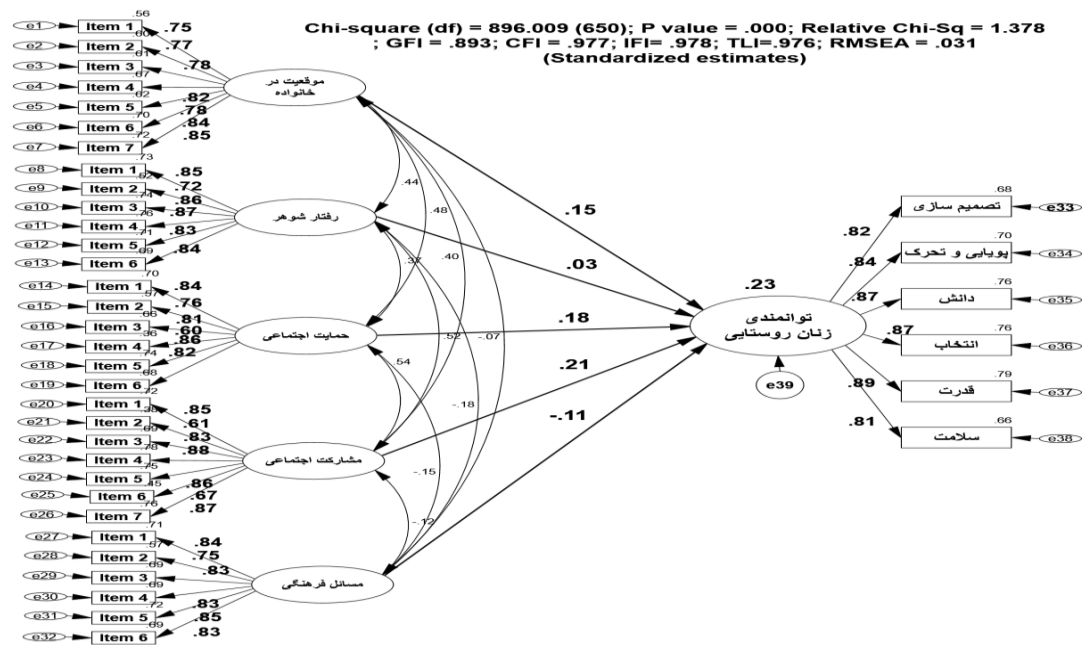
دپلم	۱۳۸	۳۵/۹
فوق دپلم	۴۹	۱۲/۸
لیسانس و بالاتر	۶۶	۱۷/۲
تعداد اعضای خانوار	۲۶۰	۶۷/۷
۴ و کمتر		
۵ و ۶ نفره	۱۱۶	۳۰/۲
۷ نفر و بالاتر	۸	۲/۱
محل سکونت		
اقامت دائم در روستا	۳۳۹	۸۸/۳
اقامت فصلی در روستا	۴۵	۱۱/۷

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

یافته های استنباطی

-آزمون اثر مستقیم عوامل اجتماعی و فرهنگی بر توانمندی زنان روستایی به منظور بررسی روابط میان متغیرهای تحقیق از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری استفاده گردید. در تحقیق حاضر یافته های استنباطی در قالب دو مدل ساختاری مستقیم (شکل ۳) و میانجی (شکل ۴) ارائه شده است. مدل ساختاری مستقیم بیانگر رابطه مستقیم عوامل اجتماعی (موقعیت در خانواده، رفتار شوهر، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و مسائل فرهنگی با توانمندی زنان روستایی در استان چهارمحال و بختیاری است (شکل ۳). درخصوص برازش نیکویی مدل ساختاری مستقیم، یافته های تحقیق نشان داد که براساس شاخص های برازش مدل

کای اسکویر نسبی برابر با $1/378$ یعنی مقدار عددی کمتر از ۳؛ و شاخص برازش تطبیقی $(CFI=0/977)$ ؛ شاخص برازش فزاینده $(IFI=0/978)$ ؛ و شاخص توکر- لونس $(TLI=0/976)$ ؛ با مقادیر عددی بیشتر از $0/90$ و شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب $(RMSEA=0/031)$ با مقدار عددی کمتر از $0/08$ ، برازش مدل در سطح قابل قبولی بوده است (شکل ۳). نتایج حاصل از مدل ساختاری مستقیم در رابطه با آزمون پنج فرضیه اصلی تحقیق حاکی از آن بود که: (۱) بین موقعیت زن در خانواده با توانمندی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت $(\beta=0/151, p=0/013)$ ؛ (۲) بین رفتار شوهر با توانمندی زنان روستایی رابطه معنی داری وجود نداشت $(\beta=0/028, p=0/649)$ ؛ (۳) بین حمایت اجتماعی با توانمندی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت $(\beta=0/178, p=0/006)$ ؛ (۴) بین مشارکت اجتماعی زنان با توانمندی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت $(\beta=0/212, p=0/001)$ و (۵) بین مسائل فرهنگی با توانمندی زنان روستایی رابطه منفی و معنی داری وجود داشت $(\beta=-0/109, p=0/030)$ (جدول ۴). همچنین، نتایج نشان داد که عوامل اجتماعی و فرهنگی تبیین کننده ۲۳ درصد از تغییرات توانمندی زنان روستایی هستند (شکل ۳).



شکل ۳: مدل ساختاری مستقیم تحقیق با مقادیر ضرایب استاندارد شده

جدول ۴: ضرایب رگرسیونی عوامل موثر بر توانمندی زنان روستایی

متغیر	مقادیر غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
- موقعیت در خانواده	۰/۱۳۲	۰/۰۵۳	۰/۱۵۱	۲/۴۹۷	۰/۰۱۳
- رفتار شوهر	۰/۰۲۴	۰/۰۵۲	۰/۰۲۸	۰/۴۵۵	۰/۶۴۹
- حمایت اجتماعی	۰/۱۶۳	۰/۰۵۹	۰/۱۷۸	۲/۷۵۷	۰/۰۰۶
- مشارکت اجتماعی	۰/۱۵۶	۰/۰۴۸	۰/۲۱۲	۳/۲۳۵	۰/۰۰۱
- مسائل فرهنگی	-۰/۱۳۷	۰/۰۶۳	-۰/۱۰۹	-۲/۱۷۵	۰/۰۳۰

-آزمون اثر میانجی عزت نفس و خود کارآمدی

همان‌گونه که ذکر شد به منظور آزمون اثر میانجی متغیر عزت نفس در رابطه بین متغیرهای مستقل با توانمندی زنان روستایی از روش چندمنظوره خودگردان‌سازی^۱ استفاده شد. برای اجرای روش خودگردان‌سازی ابتدا مدل مفهومی میانجی مفروض پژوهش همان‌گونه که در شکل (۴) آمده است طراحی گردید و سپس براساس نمونه آماری پیشنهاد شده توسط هایز^۲ (۲۰۰۹)، از طریق انجام نمونه‌گیری‌های فرعی متعدد با جایگذاری بر مبنای داده‌های اصلی گرفته شده از ۳۸۴ نفر از زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری اقدام به ایجاد و جایگزینی نمونه ۵۰۰۰ تایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد گردید. برازش نیکویی مدل ساختاری میانجی نشان داد که مدل براساس شاخص‌های برازش مدل شامل کای اسکویر نسبی برابر با ۱/۳۹۷ یعنی مقدار عددی کمتر از ۳؛ شاخص برازش تطبیقی (CFI=۰/۹۶۹)؛ شاخص برازش فزاینده (IFI=۰/۹۷۰)؛ و شاخص توکر- لویس (TLI=۰/۹۶۸)؛ با مقادیر عددی بیشتر از ۰/۹۰ و شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA=۰/۰۳۲) با مقدار عددی کمتر از ۰/۰۸، برازش مدل در سطح قابل‌قبولی بود (شکل ۵). همچنین، نتایج نشان داد که عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر

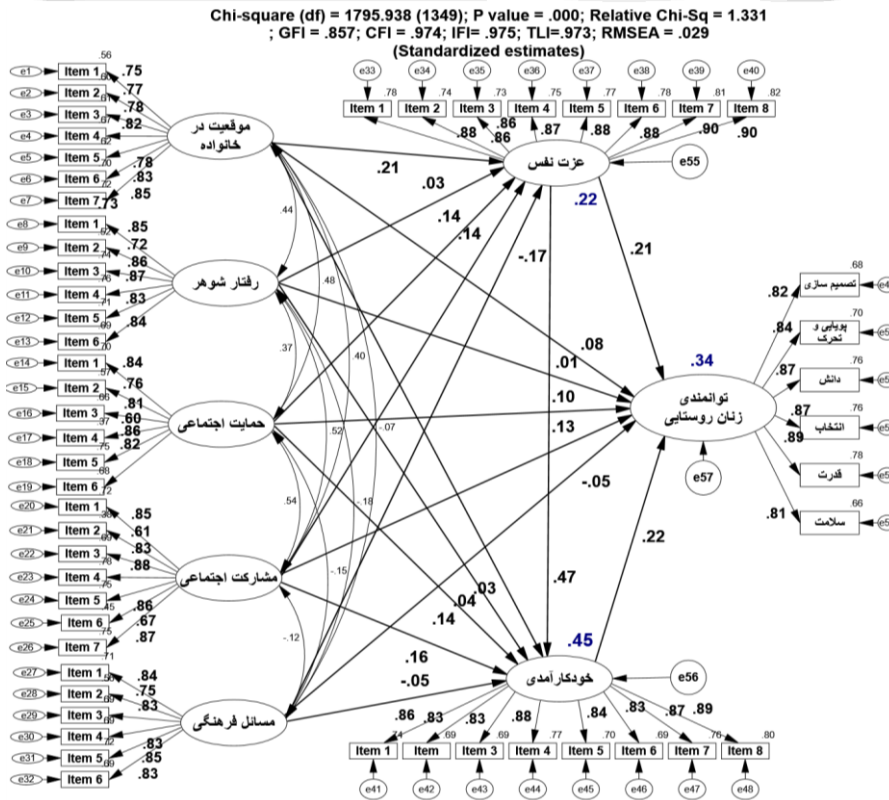
^۱ Bootstrap

^۲ Hayes



بر توانمندی زنان روستایی تبیین کننده ۲۲ درصد از تغییرات متغیر میانجی عزت نفس و ۴۵ درصد از متغیر میانجی خودکارآمدی بوده و این عوامل به همراه متغیرهای میانجی، تبیین کننده ۳۴ درصد از واریانس توانمندی زنان روستایی است (شکل ۴).

نتایج به دست آمده از اجرای روش خودگردان سازی همان گونه که از نتایج مندرج در جدول ۵ پیداست، حاکی از آن است که، مجموع اثر غیرمستقیم موقعیت در خانواده ($p=0/006$)، حمایت اجتماعی ($\beta=0/072$)، مشارکت اجتماعی ($p=0/001$) و مشارکت اجتماعی ($\beta=0/076$)، $p=0/003$)، بر توانمندی زنان روستایی از طریق عزت نفس و خودکارآمدی مثبت و معنی دار است. همچنین نتایج نشان داد که اثر غیر مستقیم مسائل فرهنگی بر توانمندی زنان روستایی از طریق عزت نفس و خودکارآمدی منفی و معنی دار است ($\beta=-0/063$)، $p=0/001$) (جدول ۵). در نتیجه می توان گفت که عزت نفس و خودکارآمدی دارای اثر میانجی در رابطه بین این عوامل با توانمندی زنان روستایی است. این در حالی است که مجموع اثر غیر مستقیم متغیر رفتار شوهر بر توانمندی زنان روستایی از طریق عزت نفس و خودکارآمدی معنی دار نیست ($p=0/352$)، $\beta=-0/019$) (جدول ۵).



شکل ۴: مدل ساختاری میانجی با مقادیر ضرایب استاندارد شده



جدول ۵: نتایج اثر عوامل موثر بر توانمندی زنان روستایی از طریق عزت نفس و خودکارآمدی بر اساس روش

خودگردان سازی

Bootstrap			خطای استاندارد اثر غیرمستقیم	مقادیر استاندارد شده غیرمستقیم	متغیر
فاصله اطمینان (CI) ۹۵ درصد					
سطح معنی داری	کران بالا	کران پایین			
Two) (Tailed					
۰/۰۰۶	۰/۱۲۸	۰/۰۲۰	۰/۰۲۷	$(0/208 \times 0/205) +$ $(0/033 \times 0/222) +$ $(0/208 \times 0/468 \times 0/222)$ $= 0/072$	موقعیت در خانواده
۰/۳۵۲	۰/۰۷۲	-۰/۰۲۲	۰/۰۲۲	$(0/032 \times 0/205) +$ $(0/042 \times 0/222) +$ $(0/032 \times 0/468 \times 0/222)$ $= 0/019$	رفتار شوهر
۰/۰۰۳	۰/۱۴۲	۰/۰۲۷	۰/۰۲۹	$(0/141 \times 0/205) +$ $(0/144 \times 0/222) +$ $(0/141 \times 0/468 \times 0/222)$ $= 0/076$	حمایت اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۱۳۷	۰/۰۳۵	۰/۰۲۶	$(0/139 \times 0/205) +$ $(0/158 \times 0/222) +$ $(0/139 \times 0/468 \times 0/222)$ $= 0/078$	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۱	-۰/۰۲۷	-۰/۱۱۸	۰/۰۲۲	$(-0/168 \times 0/205) +$ $(-0/051 \times 0/222) +$ $(-0/168 \times 0/468 \times 0/222)$ $= -0/063$	مسائل فرهنگی

بحث و نتیجه‌گیری

به کارگیری توانایی و استعداد های زنان به منظور بهره‌گیری حداکثری از نیروی انسانی، مستلزم شناخت دقیق و علمی این قشر از جوامع است. لذا توانمندی زنان یک ابزار حیاتی برای افزایش توانایی آنان به منظور دسترسی به منابع و انتخاب زندگی هدفمند در جهت بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان محروم در جامعه است. در مقابل کم توجهی به موضوع توانمندی زنان در برنامه‌ریزی و تخصیص منابع، موجب کند شدن و حتی عدم توفیق در برخی از برنامه‌های توسعه می‌شود. از این رو این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجی عزت‌نفس و خودکارآمدی در تحلیل عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان داد متغیرهای موقعیت در خانواده، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری با توانمندی زنان روستایی وجود دارد که با مطالعات (مالهاترا و اسکالر^۱، ۲۰۰۵؛ سوئه و یه^۲، ۲۰۰۶ و کبیر^۳، ۲۰۰۸). همسو است و بین موانع فرهنگی با توانمندی زنان روستایی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که با نتایج (ساعی و ولی‌پور، ۱۳۸۸ و سن، ۱۳۸۹) همسو است؛ در حقیقت هر چه زنان در خانواده از قدرت بیشتری برخوردار باشند می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های مختلف شرکت کنند و دسترسی بیشتری به منابع داشته‌باشند، اما وجود برخی موانع فرهنگی مانند وجود تبعیض در خانواده، فرهنگ‌های غلط پدر سالاری، سنت‌ها و دید مردم در بسیاری از مواقع باعث ایجاد محدودیت برای زنان می‌شود و برنامه‌های کاری آنان را با خلل مواجه می‌سازد؛ در این زمینه می‌توان با برگزاری دوره‌های فرهنگی ویژه آقایان و آشنایی آنان با اهمیت نقش زن در خانواده در این راستا گام‌های مؤثری برداشت. همچنین مطابق با نتایج تحقیق، حمایت‌های اجتماعی می‌تواند بر توانمندی زنان روستایی اثرگذار باشد. این حمایت‌ها می‌تواند در قالب بیمه‌های اجتماعی، فراهم نمودن زمینه تحصیل زنان روستایی یا برگزاری دوره‌های آشنایی با حقوق زنان محقق گردد؛ این امر علاوه بر افزایش آگاهی زنان باعث ایجاد تغییرات در نگرش‌ها و باورهای فکری آنان می‌شود و می‌تواند در افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان بسیار مؤثر واقع گردد. نتایج پژوهش نشان داد بین متغیر مشارکت اجتماعی با توانمندی زنان روستایی رابطه مثبت و

¹ Malhotra & Schuler

² Hsueh and Yeh

³ Kabeer



معناداری وجود دارد؛ در حقیقت می‌توان اذعان داشت که پیشرفت و توانمندسازی زنان در جریان اصلی توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با نهاده شدن حضور و مشارکت زنان میسر خواهد شد لذا باید دولت زمینه‌های لازم را برای حضور زنان در برنامه‌ریزی‌ها، خط مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها فراهم آورد. نتایج همچنین نشان داد موانع فرهنگی از جمله باورهای سنتی می‌تواند مانع توانمندی زنان گردد؛ باورهای مربوط به نقش‌های جنسیتی که از زمان‌های دور در فرهنگ افراد ریشه دوانیده است یکی از اساسی‌ترین عواملی است که مانع حضور زنان در جامعه می‌شود؛ در همین زمینه افزایش سطح تحصیلات زنان، حذف کلیشه‌های جنسیتی از کتاب‌های درسی، تغییر نگرش در برنامه‌های رسانه‌ها و توجه بیشتر به پژوهش در مورد مسائل و مشکلات زنان در حذف باورهای سنتی و به‌طور کلی رفع موانع فرهنگی بسیار سودمند خواهد بود. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که متغیرهای عزت‌نفس و خودکارآمدی در رابطه بین متغیرهای فرهنگی و اجتماعی با توانمندی زنان روستایی دارای نقش میانجی اند که با مطالعات (هوفمن و اسکراوا^۱، ۲۰۰۹؛ بندورا^۲، ۱۹۹۷ و زیمرمن^۳، ۱۹۹۵). همسو است. در حقیقت همان‌طور که بیان گردید عزت‌نفس پایین با خودکارآمدی پایین همراه است، افراد با عزت‌نفس پایین اعتقاد بدبینانه‌ای نسبت به دستاوردهای خود و توسعه شخصی دارند و بالعکس. لذا پیشنهاد می‌گردد دولت با برگزاری دوره‌های بهبود عزت‌نفس زمینه ارتقا و افزایش خودکارآمدی را در زنان روستایی فراهم نماید. همچنین پیشنهاد کاربردی پژوهش بر این است که سازمان‌های حمایتی به جای دادن مستمري که نتیجه‌ی آن ایجاد روحیه‌ی انفعالی است، باید توانمندسازی را هدف برنامه‌های عدالت طلبانه خود قرار دهند زیرا توانمندسازی فقط بر جنبه‌های اقتصادی تأکید نداشته بلکه به جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، روانی، آموزشی و حقوقی نیز توجه می‌کند.

¹ Hoffman and Schraw

² Bandura

³ Zimmerman

منابع

- بادسار، محمد؛ کرمی، رویا و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۷). کاربرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی و توسعه روستایی با استفاده از نرم افزار Amos. انتشارات دانشگاه زنجان.
- پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور. (۱۳۹۶). برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. دسترسی در www.Dastour.ir
- خانی، فضیله؛ مطیعی لنگرودی، حسن و صیاد بیدهندی، لیلا. (۱۳۹۱). ارائه الگوهای توانمندسازی زنان روستایی استفاده کننده از ICT (بررسی موردی: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان)، فصلنامه توسعه روستایی، ۴(۱)، ۸۵-۱۰۸.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دنیای معاصر، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- ساعی، ایرج و ولی‌پور، شهربانو. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه موردی استان لرستان)، نشریه علوم رفتاری، ۱(۲)، ۶۷-۱۰۱.
- سپاسی، سحر و عبدلی، لیلا. (۱۳۹۵). تأثیر جنسیت مدیران ارشد شرکت بر محافظه کاری شرطی. فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۴(۱)، ۱۲۹-۱۵۴.
- سعیدی، معصومه؛ چهارسوقی امین، حامد؛ مومنی هلالی، هادی؛ نوروزی، علیرضا و واحدی، مرجان. (۱۳۹۷). بررسی نقش صندوق اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد پژوهشی: شهرستان چرداول، استان ایلام). فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۵(۴)، ۱۴۹-۱۷۵.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۹). توسعه به مثابه آزادی (ترجمه حسین راغفر). تهران: نشر نی.
- علی‌بیگی، امیرحسین و حیدری، حسین. (۱۳۹۴). بررسی نگرش والدین به ادامه‌ی تحصیل دختران روستایی، مطالعه‌ی موردی: روستاهای شهرستان سنقر و کلیایی. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۲۳(۱)، ۵۹۳-۶۱۲.



- کلدی، علیرضا و سلحشوری، پروانه. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اجتماعی بر توانمندسازی زنان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴(۴)، ۷-۲۲.
- کیمیایی، سیدعلی. (۱۳۹۰). شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۰)، ۶۳-۹۲.
- لانگه، سارا. (۱۳۷۲). *معیارهایی برای تواناسازی زنان*. تهران: روشنگران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). *سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵*. دسترسی در <https://www.amar.org.ir/>
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۹). *جامعه شناسی پزشکی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی، مرضیه و روانخواه، فاطمه. (۱۳۹۵). واکاوی رابطه‌ی انواع نظام‌های رفاهی با توانمندسازی اقتصادی زنان. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۴(۱)، ۷۳-۱۰۱.
- نادری، کریم و وحدت، هاجر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان دارای مشاغل خانگی (مطالعه موردی: شهرستان رزن). *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۱۶(۲)، ۱۷۵-۱۹۶.
- Adinarayana, G. (2016). Women Empowerment: A Challenge of 21st Century. *International Journal of Research in Social Sciences*, 6(1), 8-22.
- Aguirre, D, Hoteit, L, Rupp, C, and Sabbagh, K. (2012). *Empowering the third billion: Women and the world of work in 2012*. Booz&Company: Inc.
- Alibaygi, A; Haidary, H (2015). The attitudes of parents towards the education of rural girls Case Study: Rural city Songhor & Kolyaei. *Journal of Rural Research*, 6(3), 593-612 (text in persian).
- Amin, S. (2011). Enhancing the benefits of girls' livelihood initiatives Promoting healthy, safe and productive transitions to adulthood. *The Population Council*, 17,1-3. https://www.popcouncil.org/uploads/pdfs/TABriefs/17_GirlsLivelihoods.pdf
- Badsar, M; Karami, R and Karami, E. (2018). *Utilizing structural equation modeling for social and rural development research with Amos software*. University of Zanjan press (text in persian).
- Bandura, A. (1997). *self-efficacy: the exercise of control*. New York: W.H. Freeman
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: An agentic perspective. *Annual review of psychology*, 52(1), 1-26.
- Barker, Chris. (2003). *Cultural studies: Theory and practice*. Sage publication.

- Byrne, B. M. (2010). *Structural equation modeling with AMOS: basic concepts, applications, and programming* (second ed.). New York, London: Taylor and Francis Group.
- Cattaneo, L. B., and Chapman, A. R. (2010). The process of empowerment: A model for use in research and practice. *American Psychologist*, 65(7), 646.
- Chan, Kevin, Ng, Eddie, and Chan, Charles C. (2016). Empowering Students Through Service-Learning of Community Psychology: A Case in Hong Kong. *Journal of Higher Education Outreach and Engagement*, 20(4), 25-36.
- Dandona, Anu. (2015). Empowerment of Women: A Conceptual Framework. *The International Journal of Indian Psychology*, ISSN, 2348-5396.
- Erickson, B., and Miyata, K. (2004). Macro and micro gender structures: gender stratification and social networks in Canada and Japan. In *American Sociological Association 99th Annual Meeting, San Francisco, Calif.*
- Erickson, B. H. (2004). The distribution of gendered social capital in Canada. In *Creation and returns of social capital*. H. Flap and B. Volker (pp. 37-55). New York: Routledge.
- FAO. (2017). *Regional gender strategy and action plan 2017–2019 for Asia and the Pacific*. 1-26. <http://www.fao.org/>
- Frankenberg, E. and Thomas D. (2001). Measuring Power. Food Consumption and Nutrition Division. *FCND DISCUSSION PAPER NO. 113*, Washington DC: International Food Policy Research Institute. <https://ageconsearch.umn.edu>
- George, R. (2016). *Contemporary sociological theory*, Translated by: Mohsen Salasi, Tehran: Elmi Press (text in persian).
- Grabe, S. (2012). An empirical examination of women's empowerment and transformative change in the context of international development. *American journal of community psychology* 49(1-2), 233-245.
- Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., Anderson, R. E., & Tatham, R. L. (2010). *Multivariate data analysis* (seventh ed.). United State of Amreica: Pearson prentice hall.
- Hayes, A. F. (2009). Beyond Baron and Kenny: statistical mediation analysis in the new millennium. *Communication Monographs*, 76(4), 408-420.
- Ho, R. (2006). *Handbook of univariate and multivariate data analysis and interpretation with SPSS*. United States of Americ: Chapman & Hall/CRC, Taylor & Francis Group.
- Howard-Hassmann, R. E. (2018). *Human rights and the search for community*. Routledge.
- Hsueh, MN, and Yeh, ML. (2006). A conceptual analysis of the process of empowering the elderly at the community level. *Hu li za zhi The journal of nursing*, 53(2), 5-10.
- Hunter, Bronwyn A, Jason, Leonard A, and Keys, Christopher B. (2013). Factors of empowerment for women in recovery from substance use. *American journal of*



- community psychology*, 51(1-2), 91-102.
- Jinia, N. J. (2016). *Microcredit and Women's Empowerment. Does Microcredit Promote the Borrowers to Participate in the Household Decision-making Process in Bangladesh?*. UNIVERSITY OF TAMPERE . <https://trepo.tuni.fi/handle/10024/99815>
- Kabeer, N. (1999). Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. *Development and change*, 30(3), 435-464.
- Kabeer, N. (2005). Is microfinance a magic bullet for women's empowerment? Analysis of findings from South Asia. *Economic and Political weekly*: 4709-4718.
- Kabeer, N. (2008). *Mainstreaming gender and social protection in the informal economy*. London :Commonwealth Secretariat.
- Kaldi, A; Salahshouri, P .(2012). The investigation of social support's effect on women empowerment. *Quarterly Journal Of Iranian Social Development Studies (JISDS)*, 4 (4),7-22 (text in persian).
- Karademas, Evangelos C. (2006). Self-efficacy, social support and well-being: The mediating role of optimism. *Personality and individual differences*, 40(6), 1281-1290.
- Khani, F; Motiee Langeroodi, H; Sayyad Bidhendi, L. (2012). Provide rural women empowerment model users of ICT (case study: Central Part of Lahijan City). *Journal of Community Development (Rural and Urban Communities)*, 4(1), 85-108 (text in persian).
- Kimiaee S.A (2011). Methods used for empowering head-of-household women. *quarterly social welfare*, 11(40), 63-92 (text in persian).
- Kline, R. B. (2011). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling: The Guilford Press*.
- Laws and Regulation Portal of Iran .(2016) *The Law on the Sixth Five-Year Economic, Cultural and Social Development Plan for 1396-1400 (2016-2021)*, (Text in Persian).
- Longwe, S .(1993). *Criteria for women empowerment, the role of women in development*.Tehran: Roshangaran Press.
- Malhotra, A., and Schuler, S. R. (2005). Women's empowerment as a variable in international development. *Measuring empowerment: Cross-disciplinary perspectives*, 1(1), 71-88.
- Mallinckrodt, B., Abraham, T. W., Wei, M., and Russell, D. W. (2006). Advance in Testing Statistical Significance of Mediation Effects. *Journal of Counseling Psychology*, 53, 372-378.
- Masoudnia, E.(2010). *Medical sociology*, University of Tehran Press (text in persian).
- McKenzie, J.K. (1999). *Correlation between self-efficacy and self-esteem in students*. (Unpublished master's thesis, University of Wisconsin-Stout, Menomonie, WI).
- Megharaja, B. (2014). Women empowerment: A challenge of 21st century. *International Journal of Management, IT and Engineering*, 4(2), 78.

- Mousavi, M; and Ravankhah, F .(2016). Analyzing the relation of welfare systems with Women's Economic Empowerment, *Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(1), 73-101 (text in persian).
- Naderi, K; and Vahdat, H.(2018). The effects of social capital components on the empowerment of the women engaged in home businesses. *Women in Development and Politics*, 16 (2), 175-196 (text in persian).
- Parvin, M. R. (2005). *Empowerment of women: Strategies and systems for gender justice*. Dominant Publishers and Distributors.
- Rahman, S., Chaudhry, I. S., & Farooq, F. (2018). Gender Inequality in Education and Household Poverty in Pakistan: A Case of Multan District. *Review of Economics and Development Studies*, 4(1), 115-126.
- Rani, S. (2017). Women Empowerment: Need of modern era. *International Journal of Advanced Education and Research*, 2(3), 143-144.
- Rehman, H., Moazzam, A., and Ansari, N. (2015). Role of microfinance institutions in women empowerment: A case study of Akhuwat, Pakistan. *South Asian Studies*, 30(1), 107.
- Rifkin, S.B.(2003). A framework linking community empowerment and health equity: it is a matter of CHOICE. *Journal of health, population and nutrition*, 168-180.
- Saeidi, S., Chaharsoughi A. H., Moumenihelali, H., Norouzi, A., and Vahedi, M.(2018). Investigating the Role of Micro-Credit Fund on the Economic Empowerment of Rural Women (The case study: Chardavol Township, Ilam Province), *Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(4), 149-175 (text in persian).
- Sahay, S. (1998). *Women and empowerment: Approaches and strategies*. Discovery Publishing House.
- Saie arasi, I., and Valipoor, Sh. (2010). Identification of the effective enabling factors on women's tendency to social participation towards development. *Quarterly Journal of Behavioral Sciences*, 1(2), 67-101 (text in persian).
- Salehudin, I. (2009, November). Social/Network Power: Applying Social Capital Concept to Explain the Behavioral Tendency of Individuals in Granting Favors within the Organizational Context. In *Proceedings of 4th International Conference on Business and Management Research*.
- Schumacker, R., and Lomax, R. G. (2010). *A beginner's guide to Structural Equation Modeling* (Third ed.). New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Schwarzer, R. (1997). *General perceived self-efficacy in 14 cultures*. Available: <http://www.yorku.ca/faculty/academic/schwarze/world14.htm>
- Sen, A. (2010). *Development as Freedom*. Oxford University Press Oxford Google Scholar (text in persian).
- Sepasi, S., and Abdoli, L.(2016). Effect of Managers' Gender on Conditional Conservatism, *Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*, 14 (1), 129-154 (text in persian).



- Sharma, A. (2006). Crossbreeding institutions, breeding struggle: Women's empowerment, neoliberal governmentality, and state (re) formation in India. *Cultural Anthropology*, 21(1), 60-95.
- Shettar, Dr., and Rajeshwari, M. (2015). A study on issues and challenges of women empowerment in India, *Journal of Business and Management*, 17(4), 13-19.
- Sinha, M., Mahapatra, S. S., Dutta, A., and Sengupta, P. P. (2019). Microfinance and Women Empowerment: An Empirical Analysis. In *Handbook of Research on Microfinancial Impacts on Women Empowerment, Poverty, and Inequality* (pp. 52-64). IGI Global.
- Statistical Center of Iran. (2017). *Population and housing Census* (text in persian).
- Subhashini, S. (2018). A theoretical study on issues and challenges of women empowerment in Indi. *International Research Journal of Engineering and Technology*, 5(4), 2688-2691.
- Sumedha, Kumudu. (2015). The impact of women empowerment programs on upcountry tea estate women in Sri Lanka. *International Journal of Scientific Research and Innovative Technology*, 2(7), 36-48.
- Thomaes, S., Poorthuis, A., and Nelemans, S. (2011). Self-esteem. In B. Brown & M. Prinstein (Eds.), *Encyclopedia of Adolescence*. 316-324.
- Ugbomeh, G. M. (2001). Empowering women in agricultural education for sustainable rural development. *Community Development Journal*, 36(4), 289-302.
- UNICEF. (1994). *Gender Equality and Empowerment of Women and Girls: A Policy Review*. UNICEF Programme Committee, 1994 Session.
- United Nations (2015). *transforming our world: The 2030 agenda for sustainable development*. Resolution adopted by the General Assembly. https://www.un.org › migration › docs › globalcompact › A_RES_70_1_E
- van Dop, N., Depauw, J., and Driessens, K. (2016). Measuring empowerment: Development and validation of the service user psychological empowerment scale. *Journal of Social Service Research*, 42(5), 651-664.
- Warren, H. (2007). Using gender-analysis frameworks: theoretical and practical reflections. *Gender & Development*, 15(2), 187-198.
- Wellman, B. (1992). Which Type of Ties and Networks Provide What kinds of Social Support?. *Advances in Group Processes*, 9, 207-235.
- Wellman, B. (1999). The network community: An introduction. *Networks in the global village: Life in contemporary communities*, 1-47.
- Zimmerman, M.A. (1995). Psychological empowerment: Issues and illustrations. *American journal of community psychology*, 23(5), 581-599.

Investigating the Mediation Role of Self-esteem and Self-efficacy in Analysis of the Socio-cultural Factors Influencing Rural Women's Empowerment

Mehdi Ghasemi¹
Mohammad Badsar^{2*}
Leila Falahati³
Esmail Karami dehkordi⁴

Abstract

Today, women's empowerment is one of the most important challenges and concerns of the 21st century. Empowerment of women is fundamentally the process of upliftment of cultural, economic, social and political status of women, especially women who suffer from deprivation in the society. The study population consist of rural women of Chaharmahal and Bakhtiari province. According to Krejcie and Morgan sample determination table, 384 of them were selected by stratified random sampling method. Reliability and validity of the instrument was evaluated. Face and content validity of the

¹ . Ph.D Student, Department of Extension, Communication and Rural Development, University of Zanjan

² . Assistant Professor, Department of Extension, Communication and Rural Development, University of Zanjan .

*Corresponding Author: mbadsar@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Institute of Social and Cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology

⁴ . Associate Professor, Department of Extension, Communication and Rural Development, University of Zanjan,Iran.

Submit Date: 2019/1/22

Accept Date: 2019/6/8

(DOI): 10.22051/JWSPS.2019.24257.1919

**Women Social and Psychological Studies/ <http://jwsps.alzahra.ac.ir>
Vol.17, No.2, Summer 2019**

questionnaire was confirmed by panel of experts and key informants before the pre-test stage. The reliability of instrument for scales based on Cronbach's alpha coefficients value (in the range of 0.72 to 0.94) shows acceptable level of internal consistency. Data analysis was performed by SPSS 24 and AMOS22 software. The collected data was analyzed using structural equation modeling technique. The results based on direct structural model showed that there is a positive significant relationship between variables such as women position in the family, social participation and social protection with the dependent variable of women's empowerment and there is a negative significant relationship between cultural barriers with the dependent variable of women's empowerment. The results of structural Equation model specified that self-esteem and self-efficacy variables had a mediation role on the relationship between socio-cultural factors and women's empowerment.

Keywords

Women, Empowerment, Self-esteem, Self-efficacy